



نقش نیروی دریایی سپاه در عملیات والفجر ۸

سردار فتح‌الله محمدی و تیم همراه

تنظیم: حجت‌الله کریمی*

<p>به دنبال ابتکار سپاه پاسداران در عملیات‌های خیبر و بدر و طراحی و اجرای عملیات در هور، یگان‌های سپاه در کنار قابلیت‌های رزم در زمین توانایی‌هایی را کسب کردند که به آنها امکان رزم در آب را می‌داد. کسب تجربه در عملیات‌های آبی - خاکی و تلاش برای توسعه آن زمینه‌هایی فراهم آورد که مبنایی برای تشکیل نیروی دریایی سپاه شد. به دنبال فرمان امام خمینی در سال ۱۳۶۴ مبنی بر تشکیل سه نیروی زمینی، هوایی و دریایی سپاه پاسداران این تجربیات به کار گرفته شد و نیروی دریایی سپاه شکل گرفت. یگان‌های آبی خاکی سپاه که تا پیش از این با عناوین قرارگاه نوح و قرارگاه نوح نبی شناخته می‌شدند به عنوان یک نیروی مستقل در عملیات والفجر ۸ سهم به سزایی در پیروزی نیروهای پیاده و پشتیبانی از آنها ایفا نمودند. متن زیر ماحصل گزارش مسئولان و فرماندهان نیروی دریایی سپاه پاسداران درباره نقش این نیرو در پشتیبانی از عملیات والفجر ۸ در دومین دوره انتقال تجارب دفاع مقدس است که اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ در اردوگاه شهدای میثاق آبادان ارائه شده است.</p> <p>واژگان کلیدی: فتح‌الله محمدی، نیروی دریایی سپاه، والفجر ۸، دفاع مقدس، دانشگاه امام حسین (ع).</p>	چکیده		

ویژگی‌های نیروی دریایی

۲. نداشتن محدودیت عملیاتی: «هر کشوری به‌خصوص

آقای فتح‌الله محمدی از فرماندهان قرارگاه نوح نبی و فرمانده منطقه دوم نیروی دریایی سپاه، در ابتدا مطالبی را درباره ویژگی‌های نیروی دریایی بیان کرد. وی با تأکید بر اینکه نیروی دریایی در میان نیروهای مختلف نظامی یک نیروی استراتژیک به شمار می‌رود، دلایل خود را به شرح زیر بیان کرد:

«۱. بهره‌گیری از برترین فناوری‌ها: «نیروی دریایی معمولاً امکانات و تجهیزات پیشرفته‌ای دارد و از برترین فناوری‌ها بهره می‌گیرد.»

کشورهای بزرگ و توسعه‌یافته، با استفاده از آب‌های آزاد و بدون نیاز مجوز از سایر کشورها می‌توانند در هر نقطه‌ای از دنیا حضور پیدا کنند. در صورتی که اگر بخواهند مثلاً از نیروی هوایی استفاده کنند، باید از فضای هوایی کشورهای دیگر استفاده کنند که مجوز می‌خواهد و امکان‌پذیر نیست. بعد هم وقتی به آنجا رسیدند، این مشکل به وجود می‌آید که هواپیما را چکار کنند؟ برای استفاده از نیروی زمینی هم همین محدودیت هست؛ از چند کشور باید عبور بکنند و این امکان ندارد. مجوز می‌خواهد، پایگاه می‌خواهد، تشکیلات

* کارشناس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

سال پانزدهم □ شماره پنجاه و هشتم □ زمستان ۱۳۹۵ و بهار ۱۳۹۶

بود؛ ثانیاً نزدیک منطقه عملیاتی بود و از این نظر در معرض تهدیدات جدی دشمن قرار داشت. لذا قرار شد در بندر امام جایی را انتخاب کنیم. یک نقطه بود به نام شرکت گلف ای جنسی. رفتیم آنجا و قرار بر این شد آنجا مستقر شویم. شناورهایمان هم توی اسکله بندر امام و بخشی هم توی اسکله‌ای که خور بود، نزدیک گلف ای جنسی بود و تعدادی شناور کوچک و توی آنجا. شناورها کم کم آمدند و مستقر شدند، تجهیزات مهندسی و دستگاه‌های مهندسی هم کم کم آمدند و استقرار پیدا کردند.»

شرح عملیات

این فرمانده در ادامه توضیحاتی در مورد عملیات نیروی دریایی سپاه در عملیات والفجر ۸ را برای دانشجویان دافوس دانشگاه جامع امام حسین^(ع) ارائه داد و در این باره گفت: «روز دوم عملیات بود که اولین شناورهای مجموعه‌ای که تشکیل شده بود، توی اروند حضور پیدا کرد که ۲ تا شناور لندینگراف* کوچک بود به نام چیرو ۱ و چیرو ۲. اینها دومین شناورهای نیمه‌سنگینی بودند که حضور پیدا کردند. دلیلش هم این بود که ما هیچ شناختی از وضعیت اسکله‌های آنور آب یعنی ساحل فاو نداشتیم. هنوز موانع ساحلی که دشمن ایجاد کرده بود وجود داشت و لذا این شناورها چون لندینگراف بودند و سبک و کوچک بودند، هر جا یک تکه زمین می‌دیدند، می‌توانستند خیلی سریع لندینگ** کنند و کارشان را شروع کنند و یک مقدار سوخت و آب را به آنجا انتقال دادند. دومین گروه شناوری که توانست بعد از عملیات وارد اروند

* شناوری که کف مسطح دارد و در ساحل‌های کم عمق راه می‌پیماید و با استفاده از درب جلو (رمپ) خود، محموله‌هایش را پیاده می‌کند.
** سینه خود را به ساحل بچسباند و با استفاده از رمپ خود، محموله‌هایش را پیاده کند.

همه هم قبل از عملیات این را می‌دانستند. یکی از تدابیری که در نظر گرفته شد، این بود که برای انتقال این تدارکات و پشتیبانی‌ها از شناورهای نیمه‌سنگینی که نیروی دریایی در اختیار داشت، استفاده شود. لذا یک مجموعه یا سازمانی متشکل از سه منطقه دریایی به وجود آمد؛ منطقه یک هرمزگان بود، منطقه دو بوشهر، و منطقه سه ماهشهر. البته ماهشهر به دلیل اینکه خودشان در منطقه جنگی و عملیاتی بودند، درگیری شدیدی در منطقه مرز و اروند داشتند و کمتر امکان حضور پیدا کردند، ولی باز هم در این سازمان حضور داشتند.

علاوه بر شناورهای نیمه‌سنگین نیروی دریایی، تعدادی شناور هم از سازمان‌های دیگر گرفته شد. سازمان بنادر تعدادی یدک‌کش و سازمان منطقه‌ای آب هرمزگان ۲ تا لندینگراف داشت که اینها را جمع کردند و قرار بر این شد که نیروی دریایی مدیریت بکند. بنده به‌عنوان فرمانده پشتیبانی دریایی از عملیات والفجر ۸ انتخاب شدم و سردار هاشم ستوده که آن زمان فرمانده منطقه یکم نیروی دریایی بود، به‌عنوان جانشین انتخاب شد. ... [به هر تقدیر] ستادمان را تشکیل دادیم. [اما در آغاز با چند مشکل اساسی روبه‌رو بودیم؛ اول اینکه] این شناورها که شناورهای بزرگی بودند و هر کدامشان [برای دشمن] یک هدف [به شمار می‌آمدند] را کجا می‌بایست نگهداری می‌کردیم و کجا می‌شد اینها را مستقر کرد؟ و بعد اینکه اینها احتیاج به اسکله و امکانات خاصی داشتند، اینها را از کجا باید تأمین می‌کردیم؟ لذا چند روز ما توی منطقه گشتیم و دو جا مدنظر بود؛ یکی توی بهمنشیر، یکی هم توی خور موسی که انتهایش می‌شد. بنابراین دو جا مدنظر قرار گرفت: ۱. بندر امام. ۲. بهمنشیر. مشکلی که درباره بهمنشیر وجود داشت این بود که اولاً در آن زمان بهمنشیر فاقد تسهیلات و امکانات ساحلی مورد نیاز



از راست: آقای فتاح‌الله محمدی از فرماندهان قرارگاه نوح نبی و فرمانده منطقه دوم نیروی دریایی سپاه و سردار علی جمشیدی مدیر گروه دریایی دانشکده دفاعی دافوس دانشگاه امام حسین^(ع)، اردوگاه میناق آبادان، اردیبهشت ۱۳۹۵.

زیاد بود که عرض ارونند را باید کلاً می‌پوشاندند. لذا ما برنامه‌ریزی کردیم که اینها را در دو مرحله از بندر امام به ارونند رود انتقال دهیم. پل‌ها را توی بندر امام به ما تحویل دادند. فرمانده اولین گروهی که قرار شد اینها را انتقال بدهند، آقای پرویز قوسی فرمانده ناوگروه منطقه دوم نیروی دریایی سپاه بود. تعدادی یدک‌کش اینها را انتقال دادند. تعدادی از شناورهای سبک و طارق‌های آن زمان هم اسکورت بودند. البته روی خود بارچها و یدک‌کشها یک‌سری توپ‌های ۲۳ میلی‌متری و دوشکا و امثالهم نصب کرده بودیم. زمانی که قرار شد این عملیات انجام شود، اصرار داشتیم که شب انجام شود؛ چون می‌دانستیم که مورد هدف و حمله هواپیماهای عراقی قرار می‌گیرند. نظر آقای پرویز قوسی که فرماندهی این بخش را بر عهده داشت، این بود که چون ما آشنایی کافی به مسیر ارونند نداریم و ممکن است که اینها به گل بخورند و نتوانیم به‌موقع اینها را

به مقصد برسانیم، عملیات در روز انجام شود. عملیات انجام شد. حدود ۱۰ صبح بود که اینها از خور موسی وارد خلیج فارس شدند و از همان زمان، عملیات هوایی علیه‌شان شروع شد. آن‌چنان حملاتی صورت گرفت که فرماندهان بزرگ جبهه به من می‌گفتند ما حقیقتاً این همه عملیات هوایی را به یک هدف به یاد نداریم و ندیده‌ایم. تعدادی از بچه‌های هرمرگان شهید شدند، تعدادی مجروح شدند، ولی با چنگ و دندان بارچها را به مقصد رساندند. قبل از غروب بود که عملیات‌ها قطع شد و اینها توانستند وارد ارونند شوند و بارچها را تحویل دهند.

وقتی قرار شد مرحله دوم عملیات اجرا شود، یعنی گروه دوم بارچها را ببریم، با تجربه‌ای که کسب کرده بودیم گفتیم به هر طریق ممکن بایست عملیات شب انجام بشود. یک کاروان دیگر تشکیل شد.

آقای جعفر حسین‌زاده فرمانده یکی از ناوتیپ‌های

هوا تاریک شد و دیگر هواپیما نمی توانست ما را مورد هدف قرار بدهد. در این جریان، وضعیت خاصی اتفاق افتاد. آنجا ۱۰ تا شهید و ۳۰ تا زخمی دادیم، اما مصمم و قوی بودیم؛ چون می دانستیم این پل باید ایجاد شود و اگر ایجاد نشود، ادامه دور تک امکان ندارد. رزمندگان با توکل به خدا و شهادت و رشادت و توسلی که داشتند، ذره‌ای عقب‌نشینی نکردند. حتی در این جریان یک شناور شخصی وقتی شدت حملات را دید، خواست برگردد عقب که بهش تذکر دادیم

سردار محمدی:

قبل از عملیات والفجر ۸ همه می دانستند که انتقال تجهیزات سنگین مهندسی و توپها و تانکها و حجم عمده مهمات و تسلیحات با شناورهای سبک و امکانات و تدابیری که تدارک دیده شده بود، از اروندرود امکانپذیر نبود.

و منصرفش کردیم. بالاخره بچه‌های نیروی دریایی این کار بزرگ را آنجا انجام دادند و ما محموله را وارد اروندرود کردیم.»

شناسایی

این فرمانده در مورد روند شناسایی‌های نیروی دریایی سپاه در عملیات والفجر ۸ گفت: «بحث دریانوردی در آب‌های کم‌عمق، باتوجه‌به شناورهای

که داشتیم و ناآشنایی با منطقه شمال خلیج فارس، این موضوع را می‌طلبید که شناسایی کاملی روی منطقه شمالی خلیج فارس مخصوصاً بهمینشیر، گویان* و خور موسی داشته باشیم. قبل از اینکه بحث عملیات کاروان‌ها و بحث نقل و انتقال امکانات و تجهیزات صورت بگیرد، چند مسیر متصور بود که کار انجام بگیرد و از آن دو مسیر این امکانات را انتقال بدهیم. یکی خور موسی که می‌بایست

*. یکی از خورهای کوچک منشعب‌شده از خور موسی.

می‌شد. لذا شب آنجا ماندیم و صبح بعد از نماز دستور حرکت را از خور موسی دادیم. شما وقتی از خور موسی خارج می‌شوید، وارد دریا می‌شوید. عراقی‌ها روی ۲ تا سکو بودند؛ البکر و الامیه. عراقی‌ها از این دو سکو همه حرکات ما را در شمال خلیج فارس رصد می‌کردند. این دوتا سکو خیلی ما را عذاب داد. در طول جنگ برایش برنامه‌هایی داشتند که تصرف هم شد. لذا عراق ما را اینجا شناسایی کرد و تا ما از خور موسی بیرون آمدیم فکر می‌کنم ۱۴، ۱۵ تا شناور بودیم متوجه شد که امروز خبری هست. خیلی طول نکشید که یک هواپیما از ارتفاع خیلی بالا ما را شناسایی کرد. ما متوجه شدیم و به همه هوشیاری دادیم، باتوجه به اینکه رفتار عراق را هم می‌شناختیم و می‌دانستیم چه شکلی حمله خواهد کرد. می‌گفتیم آماده باشید، شناسایی شدید و ممکن است همین الآن به ما حمله بشود. بلافاصله در ارتفاع بسیار پایین ۲ تا سوخو ما را بمباران کردند. ما که ۳ ناو سرعت داشتیم، مورد هدف قرار گرفتیم، ولی آمادگی داشتیم و از یک آتش پر حجم هم برخوردار بودیم. مه ناوچه‌هایمان دوشکا داشتند و توپها همه آماده بودند، اجرای آتش کردند و یکی از هواپیماها را با توپ زدیم افتاد توی آب؛ حتی خلبان هم چون ارتفاع پایین بود، نتوانست بپرد بیرون. این اتفاق هوشیاری بیشتری برای ما ایجاد کرد و یقین پیدا کردیم که باز هم حملات دیگری علیه ما اتفاق خواهد افتاد. برای آنها چیز غریبی بود که یک‌دفعه این همه شناور و امکانات وارد خلیج فارس شدند. ما می‌دانستیم آنها مصمم‌اند و با یک بار بمباران بر نمی‌گردند. بمباران‌های دیگری هم شروع شد. هواپیمای سوخو آمد، جنگنده میگ آمد، هواپیمای میزائ آمد. اغراق نیست اگر بگوییم آن روز ۱۳۰ سورتی پرواز انجام شد. از صبح ما مورد بمباران قرار گرفتیم تا مغرب که

نمی توانستیم *DeRain* بکنیم و تخلیه آب بکنیم. بچه‌ها داخل سطل دربسته وزنه می گذاشتند، می بردیم زیر زیر، در را باز می کردیم آنجا، آب‌ها را پر می کردیم، در را می بستیم، می آمدیم بالا و تخلیه می کردیم. توی یک ساعت ۲ تن آب را از مخزن سوخت خالی کردیم. حالا شما فکر بکنید مایی که دنبال آب بودیم، با این وضعیتی که پیش آمده بود، ۲ تن آب توی یک ساعت تخلیه شد. موتور ژنراتور هواگیری شد و سریع هم رفتیم طرف حاجی، گفتیم حاجی، خیلی

حرف سنگینی بود، ما هم پذیرفتیم و اگر این حرف‌ها را نزنده بودید اصلاً کار انجام نمی شد. خنده‌ای کرد و سر ما را بوسید؛ گفت بروید سریع، که باید ساعت ۵ آماده باشید. ولی به حاجی گفتیم جزرومد این است. گفت هرچی که شما در نظر می گیرید مد است، با آقای حسن زاده هماهنگ باشید و بروید. واقعاً شما الان فکر بکنید توی آن وضعیت ۴،

**روز دوم عملیات والفجر ۸
اولین شناورهای مجموعه‌ای
که تشکیل شده بود، توی
اروند حضور پیدا کرد که ۲ تا
شناور لندینگراف کوچک به
نام چيرو ۱ و چيرو ۲ بود.**

۵ نفر در این مخزن سوخت چه می کردند. خدا شاهد است تا اروند هیچ کس حمام نکرد، کل این بدن‌ها از گازوئیلی که رویشان ریخته بود، قرمز شده بود. بچه‌ها می سوختند، ولی با این وضعیت تا شب ادامه دادیم. نزدیک دهنه که رسیدیم متأسفانه یک اتفاق دیگر هم برای ما افتاد. چون که سکان‌ها، یدک کش‌ها و ذوالجناب به وسیله سیم یا زنجیر به اتاق سکان و حمل بود. یکی از سیم‌های سکان از یک طرف سکان

*. تخلیه مایعات از مخزن به وسیله شیرهای مربوط.

وضعیت آب باید در حالت مد قرار می گرفت. در فاصله زمانی که درخواست ۲ تن آب کردیم و منتظر رسیدن آب بودیم، آقای محمدی گفت که الان از طریق قرارگاه خاتم با تهران تماس گرفتند و گفتند که وضعیت آب در ساعت ۵ عصر برای حرکت خیلی عالی است. ما که کنار آب بودیم گفتیم وضعیت آب که ما الان داریم می بینیم، جزر است، حالا اینها می گویند مد است؟ ما الان داریم علناً می بینیم. گفت شما حالا پیگیر شوید ببینید می توانید وضعیت جزرومد را توی چند ساعت که فرصت داریم به دست بیاورید یا نه. من و یکی از بچه‌ها کنار آب نشستیم و یک تکه چوب برداشتیم تا به صورت تجربی جزرومد را اندازه گیری کنیم. کنار اسکله نشسته بودیم و مشغول اندازه گیری جزرومد بودیم که هم‌زمان دو تن آب هم برای ما آمد. با این وضعیت استرس کار و... بچه‌ها لوله را به جای اینکه توی مخزن آب بگذارند، گذاشتند توی مخزن سوخت. ما هم نمی دانستیم. بعد از چند لحظه بچه‌ها داد زدند که چنین وضعیتی پیش آمده است. حالا ما وضعیت جزرومد دستمان نیامده، فتح‌الله محمدی هم که نیست. خیلی هم تأکید کردند که چند ساعت بعد ما حرکت می کنیم. خیلی‌ها رفتند پیش حاجی گفتند حاجی، عجله نکن، همچنین اتفاقی افتاده، ما چه کار کنیم؟ حاجی توی آن لحظه جمله‌ای گفت که واقعاً برای ما سنگین بود. البته اگر حاجی چنین صحبتی نکرده بود، اصلاً این کار هم انجام نمی شد. گفت بعضی وقت‌ها آدم به نیروهایش شک می کند. این خیلی حرف بزرگی بود. حاجی با این حرف می خواست غیرت بچه‌ها را تکان بدهد که بتوانند کار انجام بدهند. همین‌طور هم شد. توی یک ساعت هم جزرومد را چک کردیم، هم بچه‌ها لخت شدند و علناً با یک پیژامه کوتاه در مخزن سوخت را باز کردند، رفتند داخل مخزن سوخت برای تخلیه آب. بعضاً ما به خاطر اینکه آب پایین رفته بود،

در آن زمان امور خیلی سازمان یافته انجام نمی شد. این چیزهایی که شما می خوانید با واقعیت های آن زمان، خیلی با هم متفاوت اند. به همین دلیل هنوز سند مکتوبی از خیلی از چیزهایی که اتفاق افتاده است، نداریم. اما جریان پشتیبانی دریایی، از قبل از عملیات هماهنگ شده بود. نه به صورت ابلاغیه هایی که الان مدنظر شماست، به این صورت نه، ولی قبل از عملیات جلساتی درباره این موضوع برگزار شد و بعد هم سازمانی برایش تعریف شد. در همین راستا، هماهنگی هایی با سازمان های دیگر صورت گرفته بود و شناورهایشان در اختیار ما قرار گرفت. همه اینها وجود داشت. بنابراین هماهنگی که بخش اول سؤال جنابعالی بود، کاملاً قبل از عملیات صورت گرفته بود و این توی کلیت عملیات دیده می شد. درباره نکته دوم که اشاره کردید باید بگویم برای هماهنگی های بعدی از نظر سازمانی ما تحت امر قرارگاه نوح بودیم. ولی باز هم توی عملیات دیگر خیلی امکان رعایت ارتباطات نبود. لذا آنجا بیشتر آقای مهندس عنذلیب بود که گروه مهندسی را پیگیری می کرد و مثلاً ما بیشتر با او جلساتی داشتیم. یا برای لجستیک، بیشتر با آقای آبرومند ارتباط برقرار می کردیم. از لحاظ سازمانی تحت امر قرارگاه نوح بودیم، ولی عملاً همه این کارها با هماهنگی این آقایان و قرارگاه خاتم انجام می شد. این نبود که دقیقاً مثل الان امورات حتماً از کانال خودش بگذرد؛ این طوری نبود. لذا من نظرات قرارگاه را می دانستم و برای این کار آمده بودیم و بنابراین مشابه با ایده هایی که آنها داشتند، با قرارگاه خاتم (ص) هماهنگ بودیم و کارها را انجام می دادیم.

خیلی غریب توی یک منطقه برهوت. توی آب هیچ کس نبود، فقط ما بودیم و خدا بود. هر بمبی که می خورد روی بارج، یکی از توپ های ما از کار می افتاد و قدرت آتش ما را پایین می آورد. وقتی قدرت آتش ها می آمد پایین، ما آسیب پذیرتر می شدیم. این روبه ادامه داشت. حتی از سکوه های الامیه ناوچه هم جدا شد و ما مورد هدف سطحی هم قرار گرفتیم. البته جرأت نمی کردند جلوتر بیایند؛ چون ناوچه ها طارک بود و می دانستند توی درگیری های سطحی حریف ما نمی شوند. ما اگر ۲ تا ناوچه طارک هم داشتیم کافی بود. به لحاظ مادی امکانات ما اصلاً قابل بحث نبود، ولی از دید معنوی می دیدیم برادری که دوتا شهید داده بود، خدا شاهد است، خم به ابرو نیورد و حتی تا لحظه آخر هم جنگید. وقتی که دوتا برادرش شهید شد، خودش رفت روی همان توپ.»

پرسش و پاسخ

شرکت کنندگان در پایان جلسه، سؤالاتی را مطرح کردند و استادان پاسخ هایی را بیان کردند که حاوی نکات قابل توجهی بود. اهم پرسش ها و پاسخ ها به این شرح است:

سؤال: ۱. آیا در طرح کلی عملیات والفجر ۸ موضوع دریایی پیش بینی شده بود؛ یعنی از اول طرح مانوری که ریختند به شما هم ابلاغ شده بود که بیایید و این کار را انجام بدهید یا نه، رفتند وسط عملیات و دیدند که نمی شود عملیات را پیش برد و آن موقع به شما گفتند؟ **۲.** هماهنگی ها را شما به چه نحوی انجام می دادید؛ تحت نظر قرارگاه این کار را انجام می دادید یا به عنوان یگان مستقل این کار را انجام می دادید؟ **پاسخ:** اول عرض کنم که شما حتماً اطلاع دارید که

قرارگاه نوح نبی. اما درباره اینکه چرا نیروی دریایی به وجود آمد و چه ضرورتی داشت، باید بگوییم در یک مقطعی از جنگ، دشمن به دو دلیل روی خلیج فارس تمرکز کرده بود؛ یکی قطع شریان نفت ما که تنها ممر درآمدی کشور بود و دیگری قطع شریان اقتصادی ما و ممانعت از ورود کالاها و مایحتاج کشور. باتوجه به محدودیت‌هایی که در جنگ کلاسیک با اینها داشتیم و اینها این موضوع را می‌دانستند، هم شرقی‌ها و هم غربی‌ها شدیداً اینها را

در سال ۱۳۶۱ ایده فرماندهان سپاه از تشکیل یگان دریایی، بیش از حضور در دریا، حضور در عملیات‌های آبی خاکی مثل نبردهای خیبر و بدر بود.

حمایت می‌کردند و امکانات بسیار پیشرفته آن زمان را در اختیارشان می‌گذاشتند. حتی فرانسوی‌ها به صورت اجاره‌ای هواپیمای با خلبان به عراقی‌ها اجاره دادند و یک فشار بسیار زیادی را اعمال کرده بودند و در واقع یک بن‌بست در کار جنگ ایجاد می‌کردند و اگر ادامه پیدا می‌کرد قطعاً جبهه‌های زمینی ما مشکل پیدا می‌کرد.

لذا تصمیم گرفته شد و اصرار بر این بود که نیروهای انقلابی نامنظم به همان طریقی که در جبهه زمینی ورود پیدا کردند و باعث زمین‌گیر شدن دشمن و تفوق بر دشمن شدند، بایستی توی دریا هم حضور پیدا کنند. سؤال: توضیحات بیشتری درباره فرماندهی و هدایت خودتان قبل از حرکت که به شما گفته بودند باید این کار را انجام بدهید و حین حرکت، خصوصاً زمانی که مورد حمله هوایی قرار گرفتید و تدبیرهایی که در بحث توپ‌های پدافند داشتید، بفرمایید. در حین اولین حمله‌ای که به شما

چیست؟ مگر سال ۶۴ نیروی دریای سپاه شکل نگرفته بود؟ پس چرا یک یگان دریایی باید تحت امر یک لشکر پیاده باشد؟ و اینکه در چنین مواردی محوریت با نیروی دریایی بوده است یا لشکر پیاده؟ پاسخ: درباره بخش اول سؤالتان عرض کنم که آن یگان‌های دریایی لشکرها که بحثشان می‌شد، تعدادی قایق‌های سبک آبی خاکی بودند که در اختیار لشکرها بود و جزئی از سازمان آنها بود و این موضوع هم از عملیات خیبر شکل گرفت که یک عملیات آبی خاکی بود. همه لشکرها مجبور بودند نیروها و امکاناتشان را با قایق به ساحل دشمن انتقال بدهند. بعد از خیبر، لشکرها این سازمان‌ها را برای خودشان حفظ کردند و مطلقاً تداخلی با نیروی دریایی نداشت. سؤال: چه نیازی سبب شد که امام فرمان تشکیل سه نیرو را دادند؟ مشخصاً درباره تشکیل نیروی دریایی توضیح بفرمایید و اینکه بچه‌های نیروی دریایی قبل از دستور امام کجا فعالیت می‌کردند؟

پاسخ: قبل از اینکه نیروی دریای سپاه تشکیل شود، یگان دریایی شکل گرفت. حدود شهریور ۶۱ در بوشهر قبل از عملیات خیبر یگان دریایی به وجود آمد و اولین فرمانده یگان دریایی سردار رسول یاحی بود. ایده فرماندهان سپاه آن زمان از تشکیل یگان، بیش از حضور در دریا، حضور در عملیات‌های آبی خاکی مثل خیبر و بدر بود. چون قبل از خیبر این یگان را تشکیل دادند و بعد از خیبر هم شروع کردند به آموزش و تهیه قایق و لنج و...؛ یعنی انگیزه قوی تشکیل یگان برای حضور مفید و مؤثر توی عملیات‌های آبی خاکی به خصوص خیبر بود. خیبر که انجام شد، بدر شروع شد، بعد وقتی که نیازهای آبی را متوجه شدند شروع کردند به ارتقاداتن یگان دریایی و تبدیل شد به

